احدکم اللهم لقنی حجتی فان الکافر یلقن حجته ولکن یقول اللهم لقنی حجة الایمان
عند الممات لقنی بتشدید قاف و به تشدید نون است یعنی در تعلیم کن
طبرانی مرویست از حضرت عایشه رض که رسول خدا فرموده است نگوید البته یکی
از شما بار خدایا تلقین کن حجت و بیاموز مرا الحجة و دلیل مرا زیرا که تحقیق کافر
تلقین کرده شود و ادراک حجت او و قال المصرح ای یلقنه الشیطان حجته الباطلة
قال الله تعالی حجتهم داحضة عند ربهم والحجة الدلیل انتهی وداحضة ای باطلة اگر
گویند در اللهم لقنی سوال تلقین حجت است از خدا تعالی پس قول مصرح یلقنه
الشیطان چگونه درست است گویم که رجوع هر فعل در حقیقت بسوی خدا تعالی است
یضل من یشاء و یهدی من یشاء ولکن شیاطین مظاهر جلال اند و اغوا و اضلال
خاصه ایشان و انبیا مظاهر جمال اند و هدایت و اکمال پس تحقیق آنست که نهی از تلقین
حجت علی الاطلاق است و صواب تقیید حجت است بدلیل قوله ولکن یقول اللهم لقنی
ای و لیکن می بگوید یکی از شما ای خدا تلقین کن مرا حجت ایمان که کلمه طیبه است والحمد در [illegible]
این کلمه است قوله عند الممات ای خصوصا نزد ممات که مدار حسن خاتمه است هرگاه
فارغ شد مصرح از بیان احادیث باب هشتم شروع کرد در باب نهم و گفت متن
فضل الصلوة والسلام علی النبی علیه افضل الصلوة والسلام یعنی در باب نهم در بیان
احادیث است که وارد است در فضیلت صلوة و سلام بر خیر الانام علیه و علی آله کل
الصلوة والسلام تا باشد این کتاب مسک ختام جمیع معانی صلوة و سلام بر آن حضرت است
بسوی افضلیت این جمع با سوی که اهتمام افراد خواهد که مذهب امام نووی است بدلیل کلمة
صلوا علیه و سلموا که امر است بهر دو جواب آنکه این کلام دال است بر عدم ترک
یکی از این هر دو بالکلیه مکروه است پس اگر صلوة در وقتی گویند و تسلیم در وقتی مکروه نیست

فتح الباری

فتح الباری و قول مصرح علیه افضل الصلوة والسلام معترضه است در مذهب و تجمل که
صفت نبی باشد یا دعای اختصاص این صفت به نبی علیه الصلوة والسلام و افضل
صلوة احسن صلوة است و تفاوت حسن در اکثر تفاوت اخلاص است از جمله
آن احادیث است این حدیث متن ما جلس قوم مجلسا لم یذکروا الله فیه و لم
یصلوا علی نبیهم الا کان علیهم حسرة یوم القیمة وان دخلوا الجنة للثواب
حسرة پس حسرت منصوب است و در نسخه برفع قوله وان دخلوا ای و لو دخلوا
و لفظ للثواب در بعض نسخ نیست و صاحب سلاح نیز در روایت ابن حبان ذکر
نکرده است لیکن منذری در روایت او ذکر این لفظ کرده است پس ظاهر شد
که ابن حبان را دو روایت است یعنی در صحیح ابن حبان و مسند امام احمد و سنن
ابوداود و ترمذی و نسائی و صحیح مستدرک حاکم مرویست از ابوهریره رض
که رسول خدا فرموده است نشسته است مثلا تا شامل شود مانند قیام و مشی یا
نیز هیچ قومی مثلا تا شامل شود دو را نیز نشستنی یا در مکانی نشستنی یا در زمانی
نشستنی ضمن مجلس که ذکر نکرده اند آن قوم مثلا خدا را در آن مجلس و درود نفرستادند
بر نبی خود عطف لم یصلوا بر لم یذکروا عطف خاص است بر عام برای تنبیه بر افضلیت
صلوة یعنی اگر یکی از آن قوم در آن مجلس صلوة بر نبی گفت و سبحان الله مثلا نگفت
روز قیامت بر آن یکی درجات از سبب آن مجلس هیچ حسرت نباشد و ندامت نخواهد
بود که [illegible] شرح القهستانی مگر آنکه باشد آن مجلس بر آن قوم یا واقع شود بر آن قوم
حسرت عظیم و ندامت کثیره پس چگونه حسرت بار تعظیم و تکثیر است [illegible]
[illegible] است نه در جنت که جنت موضع حسرت و ندامت نیست اگرچه داخل شوند
در جنت برای فتح ثواب بعد از حساب یا عذاب و مولانا شیخ گفته بل الحدیث

۲۴۲

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1